

به نام خداوندی که نامش سلام است و مرامش صلح

آرزوی ما روزگاریست که زبان گفتگو، زبان تفاهم و تعامل، زبان مدارا جایگزین زبان خشم و خشونت و قهر و آشوب و نزاع و افراطی گری شده باشد.

صلح میوه کرامت انسانی، عشق و عدالت است و ضرورتیست برای جهان ما و برای زمان ما. ضرورتی برای بقای انسان و حرمت به مفهوم زندگی.

صلح، همان نگرش برخاسته از آگاهی و عشق است. زبانی ست با واژگانی از رواداری و تفاهم. صلح، رفتاری است بر مبنای شفقت و مروت، باوری است از سر اختیار و انتخاب و شناخت.

صلح، کتابی ست که مردمان جهان همه آن را می‌نویسند؛ کتابی که با " من " آغاز می‌شود: صلح با خویشتن، صلح با دیگری، صلح با طبیعت، صلح با جهان؛ است.

در این میان ایران و ایرانی عمری است که صلح را زندگی می‌کند. صلحی از سر قدرت و عزت را؛ که صلح به توانمندی زیننده است.

ما صلح را از کتاب خداوند رحمان و رحیم آموختیم از سیره پیامبر مهر و عطوفت و آشتی.

از مکتب اهل بیت شفقت و جوانمردی، از آموزه‌های عرفان ایرانی و اسلامی، از فرهنگی که در هر حکایت و بیت و ضرب‌المثلش به ما می‌گوید: که آشتی به جای قهر، دوستی به جای دشمنی، رواداری به جای ناسازگاری، مدارا به جای ناشکیبایی، مهر به جای خشونت.

باشد که انسان، انسان را رعایت کند. باشد که انسان، جهان را رعایت کند. باشد که آدمی باور کند که زیستن موهبتی است الهی که جز به مهر و لطف و همزیستی نمی‌پاید.

باشد که انسان باور کند که صلح از خشونت نیکوتر است.